



“The Capacity of Mahdavi Teachings in Realizing the Educational Dimensions of the New Islamic Civilization and Fostering Hope in the Iranian Youth Society: Emphasizing the Second Phase of the Islamic Revolution Statement and the All-Dimensional Education of the Iranian Youth”

Dr. Ali Yazdani Ahmadabadi ¹

Abstract

The discussion of the new Islamic civilization is among the most important and fundamental challenges facing the present and future of Islamic civilization. Throughout Islamic history, a significant part of the civilization-building Ummah has consisted of Iranians, who have played a prominent role in cultural and civilizational fields from the past to the present.

This study, using an inductive method and a descriptive-analytical approach, seeks to answer the following questions: According to Islamic teachings, what kind of society possesses the capital and capability required to move toward and establish a new Islamic civilization? And, in light of the vision of the Fundamental Transformation Document of Education, what are the manifestations of each strategic component in the content of the Second Step of the Islamic Revolution Statement?

With the victory of the Islamic Revolution, fresh blood began to flow through the body of the Islamic Ummah, bringing new life to the Muslim world. Therefore, in the process of reproducing the new Islamic civilization, Iranians will be the most active social capital of this civilization, and perhaps the only Ummah, according to interpretive narrations, that will play such a role in the sphere of Islamic civilization.

The findings indicate that in the Second Step of the Islamic Revolution Statement, most of the relevant manifestations belong to the belief, worship, and moral dimensions, although examples of other educational dimensions can also be found.

Keywords: Mahdist teachings, divine tradition, civilization-building Ummah, Iranian youth, the Second Step of the Islamic Revolution Statement, Fundamental Transformation Document of Education, six educational dimensions

1. Assistant professor Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran (ali.yazdania@cfu.ac.ir)

ظرفیت آموزه‌های مهدوی در تحقق ساحت‌های تربیتی تمدن نوین اسلامی و امیدبخشی به جامعه جوان ایرانی (با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و تربیت تمام ساحتی جامعه جوان ایرانی)

علی یزدانی احمدآبادی^۱

چکیده

بحث از تمدن نوین اسلامی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین چالش‌های کنونی و آینده تمدن اسلامی است. در تاریخ اسلام، بخش مهمی از امت تمدن‌ساز را ایرانیان تشکیل داده‌اند که از گذشته تاکنون در عرصه‌های فرهنگی و تمدنی نقش مهم و پررنگی داشته‌اند. در این پژوهش با روش استقرایی و به شیوه تحلیلی-توصیفی، تلاش شده به این مسائل پاسخ داده شود که طبق آموزه‌های اسلامی چه جامعه‌ای سرمایه و توانایی حرکت و ایجاد تمدن نوین اسلامی را دارد؟ طبق چشم‌انداز سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مصادیق هر یک مؤلفه راهبردی در محتوای بیانیه گام دوم انقلاب چه هستند؟ با تحقق انقلاب اسلامی، خون تازه‌ای در پیکره امت اسلامی به جریان افتاد و حیات جدیدی به جهان اسلام بخشیده شد. از این رو در گذار بازتولید تمدن نوین اسلامی، ایرانیان فعال‌ترین سرمایه اجتماعی این تمدن خواهند بود و شاید تنها امتی باشند که طبق روایات تفسیری چنین نقشی را در حوزه تمدن اسلامی ایفا خواهند کرد. یافته حاکی از آن است که در بیانیه گام دوم انقلاب، از میان مؤلفه‌های، مصادیق بیشتری از مؤلفه‌ها ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی دارد، هرچند که مصادیقی از مؤلفه‌های سایر ساحت‌های تربیتی نیز یافت می‌شود.

واژگان کلیدی

آموزه‌های مهدوی، سنت الهی، امت تمدن‌ساز، جوانان ایرانی، بیانیه گام دوم انقلاب، سند بنیادین آموزش و پرورش، ساحت‌های شش‌گانه تربیتی.

۱. گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران؛ صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵
(ali.yazdania@cfu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۲

مقدمه

زبان هر امتی، تنها وسیله سخن گفتن و رفع نیازهای روزانه نیست، بلکه وسیله بیان و تبیین اندیشه، جهان بینی، حرکت اجتماعی، هویت و ارتباط با جهان پیرامون و زمان‌های آینده، حال و گذشته است. زبان دقیق و هدفمند جهاد تبیین موجب حرکت و بالندگی فرهنگ و تمدن اصیل ایران اسلامی است. زبانی که در کنار اقتصاد و امنیت کارآمدی و امید آفرینی می‌کند و به مثابه قدرت نرم به احیای جامعه نوین تمدنی می‌انجامد. امام علی علیه السلام در نامه چهل و هفت نهج البلاغه و در وصیت به امام حسن علیه السلام، امام را به اهمیت جهاد بیانی و زبانی توجه می‌دهد: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». از لوازم مهم جهاد تبیین استفاده از شیوه‌های همراه با منطق، عقلانیت و استفاده از عواطف انسانی و پرهیز از مواجهه با افکار عمومی است.

با توجه به سیر تاریخی تمدن‌های دینی که ساخت و هدایت‌گری تمدن در آنها بر پایه دین و پذیرش مرجعیت دین تعریف شده است؛ به جای توجه صرف به مظاهر مادی تمدن اسلامی باید به آموزه‌های و معیارهای چگونگی تحقق تمدن از منظر اسلام توجه کرد. تمدن اسلامی در فراز و فرود تاریخی خود با دوره انحطاط روبه‌رو گردیده است. برای برون‌رفت از این چالش تمدنی (انحطاط تمدن اسلامی)، دیگر نمی‌توان با رویکرد توجه و معرفی صرف مظاهر تمدن اسلامی، قدمی مناسب و شایسته جهت باز تولید آن تمدن برداشت و به جای آن، باید به این پرسش پرداخت که تجدید تمدن اسلامی از منظر محتوای و درون‌مایه اسلامی، ضرورتاً نیازمند چه مقدماتی است؟ بی‌تردید در بازشناسی تمدن اسلامی، توجه به خاستگاه و مبانی تمدن اسلامی، نقش اساسی و بنیادین را جهت «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ایفا می‌کند و عدم آگاهی و توجه به هرکدام از آن اصول و بنیان‌های تمدنی، فهم ما را در جهت‌سازی و جهت‌یابی آینده تمدن اسلامی با مشکل روبه‌رو خواهد کرد.

در تحقق این هدف نیازمند وجود مردمانی هستیم که با محوریت دین، روابط اجتماعی و فرهنگی خود را استوار کرده باشند. حضور این مردمان در جغرافیای سیاسی اسلام تحت عنوان «امت اسلامی» قرار گرفته است. جدای از آن که به این موضوع از نگاه اجتماعی و دینی توجه شده است، اما در کنار آن ضرورت توجه به سنت‌های الهی - تاریخی که در کلیت جریان حرکت‌های اجتماعی تأثیرگذار هستند ضرورت بسیار دارد. خصوصاً هنگامی که این موضوع از منظر اسلام به عنوان مهم‌ترین رکن فرهنگ‌سازی در این جوامع مورد توجه قرار گرفته است.

از آن جا که آموزه امت اسلامی در سیره سیاسی مسلمانان مطرح شده و به عنوان پیش فرض مورد توجه قرار گرفته است؛ فرضیه این پژوهش در این بیان شکل گرفته که سنت‌های الهی در مداوله، استخلاف، استبدال و امثال آنها موجب خواهد شد تا به پشتوانه سابقه فکری - فرهنگی و خدماتی که در طول تاریخ و متقابلاً میان اسلام و ایرانیان رخ داده است؛ این جامعه در تداوم تحقق سنت‌های الهی ظرفیت و قابلیت احیا و تجدید حیات تمدنی را داشته باشد. تجدید حیاتی که بدون تحول در آموزش و بدون توجه به این بُعد تمدنی محقق نخواهد شد. از این رو و برای اثبات این فرضیه، به پاسخ پرسش‌های پرداخته خواهد شد:

الف) جایگاه آموزه امت از نگاه قرآن و سیره چگونه است؟

ب) بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در چه ابعادی به این موارد توجه کرده است؟

مفاهیم

فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای پارسی است و ترکیبی از دو جزء «فرا» و «هنگ» به معنای «بیرون کشیدن و یا بالا کشیدن استعدادها و لیاقت‌های ذاتی نهفته در نهاد خرد و جامعه» است. (آشوری، ۱۳۸۰: ص. ۶۵). فرهنگ سیمایی است که انسجام اجزاء ترکیبی یک جامعه را حفظ می‌کند. مجموعه‌ای از مفاهیم و بیان نمادین در قلمرو ایده‌ها، آراء، هنر و تجربه افراد در بوته مناسبات اجتماعی است. (معینی، ۱۳۷۴: ص. ۲-۳) این مفاهیم مشترک و تخیلات مشترک رفتار فرهنگی انسان‌ها را می‌سازند.

تمدن

«سوروکین» فیلسوف تمدن پژوه، تمدن را به لحاظ تاریخی دارای سه ماهیت مادی، معنوی و جامعه در حال جریان می‌داند. «فوکوتساوا یوکچی» تمدن پژوه برجسته در کتاب *نظریه تمدن*، تمدن را دارای دو سطح می‌داند: یک سطح مادی و دوم سطح معنوی که زیربنای تحقق تمدن است. سطح دوم را موتور محرک تمدن دانسته که به شکل‌های مادی تمدن صورت می‌دهد. از این رو وی، تمدن را پالایش معرفت و پرورش فضیلت می‌داند به نحوی که زندگی بشر را به مرتبه بالاتر برساند. (یوکچی، ۱۳۷۹: ص. ۱۱۹-۱۲۰) به طور کلی می‌توان گفت که هر تمدنی برای تحقق نیازمند ایده هدایتگر است که به مثابه نقطه کانونی و قلب تمدن است. در بیشتر نظریه‌ها، امور غیرمادی سازنده اصلی این پدیده هستند. (نوروزی، ۱۳۹۴: ص. ۱۲۶-۱۰۶)

سنت

واژه‌ای پرکاربرد است که هم در فقه (حجیت سنت به عنوان یکی از منابع احکام شرعی، موردی است که در دانش اصول فقه بررسی می‌شود. (خراسانی، ۱۴۳۷ق: ج ۱، ص. ۲۲-۲۴) و هم در تاریخ اسلام و قرآن به کار رفته است. در این مقاله با توجه به محتوای آن به تعریف سنت از منظر تاریخ اسلام می‌پردازیم و به تعارف دیگر که از باب فقه یا اصول فقه مطرح است، نمی‌پردازیم. برای سنت‌های تاریخی دو تعریف وجود دارد. سنت به معنی دوام و استمرار و به معنی ادامه دادن. مثلاً عرب می‌گوید: سنت الماء اذا والیت فی صبه، عرب به ریزش پیاپی آب سنت می‌گوید. (جرجانی، ۱۴۰۵، ص. ۱۲۲) و سنت به معنای راه و روش (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص. ۳۴۲): به راه و روشی که عادت شده باشد و مردم از آن پیروی کنند (چه نیکو و چه ناپسند) سنت می‌گویند. در قرآن در معنای خوب آن آمده و سنت گفته شده است. ﴿... وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...﴾ (نساء: ۲۶) و به سنت‌های (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و هم به روش ناپسند و اشتباه گفته شده است: ﴿لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ﴾ (حجر: ۱۳).

از این رو تفاوتی بین آن با معنای قانون وجود ندارد و مترادف هستند. چون سنت بر اموری به کار می‌رود که بر اثر تکرار و با کثرت مشاهده از سایر رفتارها جدا می‌شود و به شکل ضابطه و الگو معرفی می‌شوند. مانند این که گفته می‌شود قانون طبیعت این است یا قانون فیزیک این است و... اما قانون به معنی، ضابطه و الگویی که ابتدا وضع می‌شود و سپس به آن عمل می‌شود و تکرار می‌شود بر سنت دلالت ندارد. در این مورد قانون محصول شرایط نیست بلکه برای تغییر رفتار و وضعیت مقرر می‌شود مانند قوانین راهنمایی و رانندگی و...

الف) ظرفیت آموزه‌های مهدوی

نمونه‌های مهمی از جهاد تبیین در تاریخ اسلام وجود دارد که توجه به این مجموعه معرفتی؛ تبیینی مهم در فهم و چگونگی برون‌رفت از مشکلات را دربر گرفته است. از این رو می‌توان از الگوی تبیین و روشن‌گرایانه آموزه‌های اسلامی - مهدوی و در قالب محورهای گوناگونی به راهبرد اسلام هم در تحقق تاریخ و هم در برون‌رفت از رکود و انحطاط تمدنی سخن گفت. در این بخش به محورهای: بینش توحیدی؛ سنت‌های الهی و امت تمدن‌ساز پرداخته می‌شود.

دوری از جاهلیت

جاهلیت مدرن و فراموشی بینش توحیدی محور

فرهنگ و تمدن هر جامعه در توجه او به جهان بینی، ارزش‌های انسانی و آموزه‌های دینی است که معنی و تشخیص پیدا می‌کند. از باب اهمیت همین ارزش‌های اصیل است که قسمتی مهم از جهالت در دوری از توجه به عقل و نه علم خلاصه می‌شود؛ چراکه یکی از ویژگی‌های مهم هر دوره (در کنار سایر مولفه‌ها) جهالت عقلی است، همان جهالتی که در دوره پیش از بعثت پیامبران هم وجود داشته است. علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: «فهداهم به من الضلالة و انقذهم بمكانه من الجهالة». وجه مشترک جهل جاهلیت گذشته و جهل جاهلیت دوران امروزی، جهالتی ناشی از نسیان در توجه به معارف توحیدی است. روشن است این جهالت در برابر آموختن دانش نیست، بلکه بالاتر از آن جهالتی در برابر عقل و عقلانیت تعالی محور است. درس و دانش تنها پل و ابزاری برای عاقل شدن انسان‌ها است تا بتواند به یافته‌های اندیشه تعالی محور عمل کند.

در فرهنگ مهدوی، ماهیت دینی و جهان بینی اسلامی به توحید باوری و مبارزه با غیر آن برمی‌گردد. اینکه جهان هستی دارای خداوندی یکتا (انبیاء: ۲۲)، مالک (آل عمران: ۲۶) و حکیم (بقره: ۲۰۹) است. از این جهت بیهوده بودن خلقت و هستی بی معنا است (مؤمنون: ۱۱۵) و جهان برای هدفی مشخص و ماندگار بنا شده است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج ۱۵، ص ۷۳). امام حسن مجتبی علیه السلام در نامه به معاویه، پس از حمد و ثنای الهی فلسفه بعثت را برای جهانیان در قالب رحمت و نعمت بزرگ احیای امر انسانی و امر الهی و بیم‌دهنده زندگان در مقابل کفار دانسته و قیام به امر خداوند، رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عدم کوتاهی ایشان از نکات برجسته سبک حیات طیبه پیامبر معرفی می‌کنند که نتیجه آن عزت جامعه می‌باشد. (اصفهانی، ۱۳۸۵: ص ۵۶-۵۵؛ شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۱۱، ص ۲۲۸-۲۲۶)

جاهلیت در عدم پایبندی به میثاق توحیدی

از آیات قرآن استفاده می‌شود که امت‌هایی می‌توانند تاریخ‌ساز شوند که بر دو پیمان پایدار و وفادار و استوار هستند. آن دو پیمان عبارت‌اند از:
یک. پیمان اطاعت و پیروی از دستورات الهی. این پیمان با همه امت انبیاء بسته شده است از جمله با امت پیامبر:

﴿وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الّذِي وَاتَّقَكُم بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (مائده: ۷)؛

و نعمت خدا را که بر شما ارزانی داشته و نیز پیمانش که شما را بدان متعهد ساخته آن‌گاه که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم، به یاد داشته باشید و از خدا پروا کنید که خدا به راز سینه‌ها داناست.

دوم: پیمان نصرت است:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفُوزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۱۱۱)؛

مانا خدا از مؤمنان، جان و مالشان را در برابر این که بهشت برای آنان باشد خریده است، بدین صورت که در راه خدا پیکار کنند و بکشند و کشته شوند. این را خداوند به عنوان وعده‌ای راست و درست بر خویش واجب کرده و در تورات و انجیل و قرآن آن را به عنوان سند معامله ثبت کرده است. و کیست که به پیمان خویش از خدا وفادارتر باشد؟ پس به این داد و ستدی که به آن دست یافته‌اید شادمان باشید، و این است آن سعادت بزرگ.

سنت‌های الهی و امت تمدن ساز

جامعه ایرانی از مؤثرترین و فعال‌ترین جوامع تاریخ و تاریخ اسلام بوده است که خدمات فراوانی توسط بزرگان این قوم انجام شده است. پیشینه تاریخی ایرانیان آن چنان پررنگ است که کتاب‌های فراوانی جهت معرفی خدمات ایرانیان به اسلام نگاشته شده است و هریک از منظری خاص به این مقوله پرداخته‌اند. اما از منظری سنت‌های الهی می‌توان نقش ایرانیان را با توجه به آینده مورد توجه قرار داد که بالاخص می‌تواند برای جامعه متدین ایرانی یکی از موضوعات جالب توجه باشد. همان‌طور که بیان شد سنت‌های الهی مبتنی بر دو پیمان است که عبارت‌اند از:

یک: پیمان اطاعت و پیروی از دستورات الهی؛ دوم: پیمان نصرت.

در قرآن کریم بیان شده که بنی اسرائیل پیمان شکنی کردند و به همین دلیل سنت استبدال بر آنها حاکم شد. و بنی اسرائیل از عرصه تاریخی سنت‌های الهی یعنی همراهی رهبران الهی، جهت تحقق دین و اهداف رسالت کنار گذاشته شدند:

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ...﴾ (مریم: ۵۹)؛

پس از آن شایستگان، جانشینانی کتاب آسمانی تورات را به ارث بردند و احکام و معارف آن را دریافت کردند.

قرآن در آیات دیگر دلیل این تغییر امت را بیان می‌فرماید:

﴿فَبِمَا نَفَضْنَاهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ
بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ﴾ (نساء: ۱۵۳)؛

پس به سبب این که پیمان‌شان را شکستند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبران را به ناحق کشتند و گفتند: دل‌های ما از دریافت پیام در پرده است. بلکه چنین نیست، الله به سزای کفرشان بر دل‌های آنان مهر نهاده است.

این مطلب در جای جای قرآن کریم تاکید شده است.

ابتدا بنی اسرائیل برای یک چنین امر مهمی برگزیده شدند:

﴿وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ﴾ (دخان: ۳۲)؛

و قطعاً از روی آگاهی بنی اسرائیل را برگزیدیم و بر جهانیان برتری بخشیدیم.

ولی در نتیجه پیمان شکنی که هم پیمان اطاعت را شکستند و هم پیمان نصرت را، این قوم مشمول قانون استبدال شدند و کنار گذاشته شدند.

از آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود که در تاریخ اسلام نیز، سنت استبدال حاکم خواهد شد. این تغییر و جایگزینی یک امت بر امت در قرآن کریم و در روایات تبیین شده است. در سومین آیه سوره جمعه و در ادامه تبیین هدف از بعثت انبیاء و رهبران الهی می‌فرماید:

﴿وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (جمعه: ۳)؛

و نیز برای جمعیت دیگری از آن مردم که هنوز به ایشان نپیوسته‌اند پیامبر را به رسالت برانگیخت. و خداست که اراده‌اش غالب و کارهایش همه براساس حکمت است.

در صحیح مسلم از پیامبر اسلام ﷺ روایت در بیان و تفسیر «وآخرین منهم» آمده است:

عن أبي هريرة قال كنا جلوسا عند النبي إذا نزلت عليه سورة الجمعة فلما قرأ ﴿وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾ قال رجل من هؤلاء، يا رسول الله فلم يراجعه النبي حتى سأله مرة أو مرتين أو ثلاثا. قال: وفينا سلمان الفارسي. قال: فوضع النبي يده على سلمان، ثم قال لو كان الإيمان عند الثريا لنال رجال من هؤلاء (نیشابوری، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ص. ۱۹۱-۱۹۲).

این را هم صحیح مسلم آورده در فضل فارس، و هم صحیح بخاری در باب تفسیر سوره الجمعه. (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۶، ص. ۶۳)

در قرآن پنج آیه است که بنابر تفاسیر، این آیات مخصوص ایرانیان است. و اینها مردمانی دیگری (غیرعرب) هستند که سرانجام به یاری دین خواهند پرداخت و بر پیمان اطاعت و

نصرت وفادار خواهند بود. از این رو به یاری این مردم، دین و حاکمیت الهی که به ظهور واقعی تمدن اسلامی منجر می‌شود، برپا خواهد شد. پنج آیه به این موضوع اشاره کرده‌اند. یکی از آن آیات، آیه سه سوره جمعه بود که بیان شد. آیه دیگر، آیه ۸۹ سوره انعام است که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوها بِهَا كَافِرِينَ﴾؛

و اگر نسبت به آن کفر ورزند، (آئین حق زمین نمی‌ماند زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند.

قاموس قرآن و زمخشری در کشاف آورده که: «هم الفرس» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص. ۴۳) و تفسیر نور به نقل از تفسیر المنار و روح المعانی و سایر مفسران، در تفسیر این آیه آورده‌اند: که منظور ایرانیان هستند. (قرائتی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص. ۵۰۵-۵۰۶) آیه دیگر، آیه ۳۹ سوره توبه است:

﴿لَا تَنْفِرُوا بَعَدَ بَيْتِكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛

اگر برای جهاد حرکت نکنید، خداوند شما را به عذابی دردناک کیفر می‌دهد و به جای شما مردمی دیگر می‌آورد که فرمان جهاد را نادیده نمی‌انگارند و در آن سستی نمی‌ورزند، و اگر خدا شما را از میان ببرد هیچ زبانی به او نمی‌رسانید بلکه خود زیانکار خواهید شد که خداوند بر هر کاری تواناست.

باز هم در تفسیر آیه:

﴿وَيَسْتَبَدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ﴾ آمده منظور از این قوم، «قوم الفرس» هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۲، ص. ۵۲)

آیه چهارم، آیه ۳۸ سوره محمد است:

﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾؛

و اگر از ایمان و تقوا روی برتافتید و از انفاق در راه خدا امتناع کردید، خدا مردمی غیر از شما را جایگزین شما می‌کند، سپس آنان همچون شما نخواهند بود، بلکه ایمان می‌آورند و از اموال خود در راه خدا انفاق می‌کنند.

زمخشری در تفسیر این آیه هم می‌گوید:

سئل رسول الله عن القوم وكان سلمان إلى جنبه، فضرب على فخذيه وقال: هذا وقومه و

الذی نفسه بیده لو کان الایمان موطاً بالثریا لتناوله رجال من الفارس. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص. ۵۴۰)

المیزان نیز به نقل از درر المنثور همین سخن پیامبر ﷺ را نقل کرده است. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج ۱۸، ص. ۳۷۷)

روایات در تفسیر آیه ۵۴ سوره مائده به جایگاه ایرانیان پرداخته‌اند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾.

زمخشری می‌گوید:

سئل رسول الله عنهم فسوف ياتي الله بقوم كيست؟ (جالب است که کلمه سوف با فعل مضارع آمده است. که می‌توان نشانه این باشد که در آینده‌های نه خیلی نزدیک این قوم خواهند آمد) وقيل سئل رسول الله عنهم. فضرب يده على عاتق سلمان و قال: هذا وذووه، ثم قال: لو كان الایمان معلقا بالثريا لناله رجال من أبناء فارس. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص. ۶۲۱)

فخر رازی هم در تفسیرش می‌گوید:

وقال آخرون: هم الفرس لأنه روى أن النبي لما سئل عن هذه الآية ضرب بيده على عاتق سلمان و قال: هذا وذووه، ثم قال: لو كان الدين معلقا بالثريا لناله رجال من أبناء فارس. (رازی، ۱۳۶۵: ج ۱۲، ص. ۱۸).

سایر تفاسیر نیز این تفسیر از آیه را نقل کرده‌اند. تفسیر نمونه نیز همین روایت را در بیان این آیه آورده است و در ادامه تأکید کرده است:

شکی نیست که این روایات که در تفسیر آیه وارد شده با هم تضاد ندارد، زیرا این آیه همان‌طور که سیره قرآن است يك مفهوم کلی و جامع را بیان می‌کند که علی ﷺ یا سلمان فارسی مصداق‌های مهم آن می‌باشند (شیرازی، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ص. ۴۱۹).

با توجه به تحلیل مقاله نسبت به سنت‌های الهی، این روایات می‌تواند از این جهت مکمل هم باشند که هم سنت انتخاب رهبر الهی و هم سنت امت همراه او را بیان کرده‌اند و این مبحث مهمی است که در آینده تاریخ اسلام و برای بازگشت و تحقق آن جامعه و آن غایت یعنی تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی، نقش ایرانیان، نقش اول است.

ب) ایجاد پیوند انگیزشی در سخنان رهبری و گام دوم انقلاب اسلامی (با تکیه بر تحقق امت

تمدن‌ساز در توجه به آموزش ساحت‌های اعتقادی مذهبی، سیاسی اجتماعی، زیستی و اقتصادی)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ بیانیه‌ای راهبردی با عنوان «گام دوم انقلاب» صادر کردند. این بیانیه، تجدید مطلعی شد خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» ارائه شد تا «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم زند. از این حیث بیان شده که این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی» نزدیک خواهد کرد (خامنه‌ای، بیانیه «گام دوم انقلاب»، ۱۳۹۷).

از این روایشان در موارد بسیاری و در بیانات‌شان خط رسیدن به تمدن اسلامی را مطرح کرده و به تفصیل درباره آن سخن گفته‌اند. این خط جهت رسیدن به تمدن نوین نیازمند تحقق عوامل درونی و بیرونی است. عامل درونی به جهان‌بینی، اعتقادات، ایمان و فرهنگ اجتماعی متکی است و عوامل بیرونی به پیکره اصلی تحقق تمدن یعنی جامعه تکیه دارد.

عوامل درونی

منظور عواملی است که ب به استعدادها‌ی ذاتی - خدادادی و جهان‌بینی موجود در یک جامعه می‌پردازد. عواملی که تمام سطوح فکری و تمدنی آن را معنی می‌بخشد و موجب تحقق و ظهور آن در خارج را فراهم می‌کند.

جهان‌بینی اجتماعی (ایمان و باور توحیدی)

در همین زمینه، رهبری در دیدارد با جوانان بر این نکته تأکید دارند:

جامعه بدون مکتب و ایمان، ممکن است به ثروت و قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه وارد مرحله حیوانیت می‌شود... تمدن نوین اسلامی این را نمی‌خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار و هم قدرتمند و هم شاکر و بنده خدا باشد؛ جبهه عبودیت بر خاک بساید. انسان و قدرتمند بودن و بنده خدا و عبد خدا بودن، این آن چیزی است که اسلام می‌خواهد؛ می‌خواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی، هدف ایجاد تمدن نوین اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱).

چرا که ایمان موجب هدفمندی خلق و هدفمندی تلاش انسان با ایمان خواهد بود: توحید، یعنی اعتقاد به این‌که این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کھکشان‌ها و سحابی‌ها و حفره‌های عظیم آسمانی و...، تا

سلول کوچک فلان جسم و... ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷)

تمدن نوین اسلامی بدون آموزش و توجه به ساحت‌هایی که شاکله اصلی آن را شکل می‌دهد بی‌معنی و پوچ خواهد بود. تفاوت تمدن‌ها به تفاوت نگرش انسان‌ها و جهان‌بینی آنها برمی‌گردد. انسان مسلمان، تمدن را که پدیده‌ای این دنیایی است مقدمه‌ای برای زندگی دنیایی دیگرش می‌داند. این قول مشهور که به اشتباه روایت تلقی شده است «الدنیا مزرعة الآخرة» برداشتی صحیح از قرآن است که می‌فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ تَصِيبٍ﴾ (شوری: ۲۰)؛

کسی که زراعت آخرت را بخواهد به او برکت داده و بر محصولش می‌افزائیم، و آن‌که فقط کشت دنیا را می‌طلبد کمی از آن به او دهیم و در آخرت هیچ بهره و نصیبی نخواهد داشت.

استعداد و توانایی ذاتی جامعه ایرانی

ایشان در سخنرانی سال ۱۳۸۳ به مهم‌ترین عامل تمدن‌ساز یعنی جامعه ایرانی پرداخته و آن را این‌گونه تبیین کردند:

سطح متوسط بالای ذهنی و هوشمندی نسل‌های ایرانی است، که جزو چیزهای مسلم است و شعار و تبلیغ نیست. ذهن و هوشمندی ایرانیان از متوسط ذهن و هوشمندی ملل جهان بالاتر است؛ این یک سخن علمی و آماری و تحقیق شده است؛ گذشته‌ی ما هم همین را نشان می‌دهد؛ فرهنگ و تمدن ایرانی در ادوار مختلف، برای ملل دنیا یک شاخص برجسته و یک پرچم به حساب می‌آمده. در دوره‌ی اسلامی هم ملتی که توانست دانش و فلسفه و علوم مختلف و روش‌های زندگی را از اسلام بگیرد و آنها را در چارچوب منطق‌های مستحکم پایدار کند و به دنیا ارائه دهد، عمدتاً ایرانی‌ها بوده‌اند؛ این را دیگران هم قبول دارند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳).

اراده و انگیزش جهت تحقق تمدن نوین اسلامی مبتنی بر آموزش

گرچه موارد بالا، محتوای درونی جامعه و آنچه برای رسیدن به یک تمدن با ویژگی‌هایی که از آن انتظار می‌رود را نشان می‌دهد اما وجود آنها به تنهایی و بدون اراده اجتماعی برای ایجاد هدف‌ها و آرزوها کفایت نمی‌کند. حضور و مشارکت مردم همواره مهم و بلکه مهم‌ترین امر و «عامل اصلی موفقیت‌ها» است. از این جهت یکی از سنت‌های الهی که به صراحت به این

مورد پرداخته (سنت سرنوشت یا سنت تغییر: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱ و مورد تأکید رهبری نیز هست؛ ایجاد انگیزش در جامعه و مسئولان برای تمدن‌سازی است. آن‌چنان‌که مورد نظر رهبر انقلاب است، مردم‌سالاری «معنای واقعی دارد، تعارف نیست.» «مسئولین باید زمینه‌ها را، مدل‌ها را، فرمول‌های عملی و قابل فهم عموم را، فرمول‌های اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی می‌شود این کارها را کرد... از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه‌ی مردم، از نشاط جوانی جوانان ما - که قشر عظیم و وسیعی هستند - می‌توانند استفاده کنند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰).

تمدن نیز بدون آموزش انسان‌ها و تحقق ساحت‌های تمدن‌سازش بوجود نمی‌آید. از این حیث جوامع متمدن همواره بر محور آموزش و تربیت نیروی انسانی تکیه و آموزش را محور اصلی و معلم را وسیله تربیت نیروی تمدنی می‌دانند. تا آن‌جا که توسعه را نه در ابزار بلکه در توسعه انسانی و شکوفایی منحصر می‌دانند. (منتظری و رنانی: ۴۲-۶۵). از نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آموزش مسئول رشد علمی و تربیتی را به صورت توأمان بر عهده دارند. یعنی شکل‌گیری هویت و شخصیت جامعه در کنار رشد علمی آن مسئولیت مهمی است که بر عهده‌ی آموزش تمام ساحتی است. آموزش باید بتواند «خصوصیات اخلاقی خوب...؛ معلومات خوب؛ فکر کردن؛ استقلال رأی را به کودک بیاموزد» از این رو «در جامعه‌ای که بر محور آموزش می‌چرخد، معلم مرکز آن دایره و محور آن حرکت است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸) و در سخنرانی دیگر به اهمیت و نقش هویت‌ساز معلم و آموزش پرداخته‌اند: «تشکیل هویت نسل جدید به دست معلم است؛ نقشی پررنگ‌تر از نقش خانواده و پدر و مادر» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴).

عوامل بیرونی

عواملی که به کمک عوامل درونی آمده و اجاز شکوفایی اجتماعی و تحقق تمدن را می‌دهند.

وجود سازمان تمام‌ساحتی و اخلاق‌مدار

مقام معظم رهبری، با توجه بر این مهم، حقوق متقابلی که حکومت و مردم بر یکدیگر

دارند را مورد توجه قرار داده و آورده‌اند:

حقوق مردم برگردن حکومت عبارتند از خیرخواهی برای مردم، بازگرداندن وافر بهره‌های زندگی مادی به مردم، آموختن مردم تا جاهل نمانند و تربیت مردم تا آگاه شوند. حقوق حکومت بر مردم وفای به بیعت است، نصیحت و خیرخواهی برای اجابت هنگام دعوت برای انجام کاری. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱)

عدالت در ساحت آموزشی

عدالت در آفرینش، چهارچوب‌های حقوقی، قانون‌های زندگی، انجام مدیریت و سیاست، جهانداری و همچنین در اخلاق و روش انسانی اهمیت ویژه‌ای داده شده است (کرمی، ۱۳۸۵: ص. ۴۱۷). عدالت در تمدن موجب استواری، تداوم و پیروزی آموزش در آن جامعه است. جوامع جاهل و بدوی که از تمدن به دور هستند و بدون درک این مطلب افتخار به امور موهوم مانند افتخار به نسب، قبیله، نژاد، رنگ، مقام و امور گذرا اهمیت دارد. آموزش موجب می‌شود تا انسان به درون جان و صفات والایش توجه کند. مقام معظم رهبری در مورد عدالت در نظام اسلامی می‌فرماید:

فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی، استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم و تبعیض و تحمیل نجات یافته، در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه، به کمالات انسانی نائل آیند. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹)

زدودن سنت‌های غلط

سنت‌های غلط علاوه بر به قهقرا بردن جامعه و عقب افتادی؛ زمینه و موجبات سلطه اقلیت بر اکثریت جامعه را فراهم می‌کند. اصل و سنت در نظام آفرینش، بر عمومیت یافتن بهره و نفع عمومی است. قرآن در هر جا سخن از مواهب کرده است، توده‌های اجتماعی و کلیت جامعه را مخاطب قرار داده است و انتفاع را از آن همگان دانسته است، در حالی که استثنای در مقابل آن است. استثنای یعنی ویژه‌خواری یعنی چیزی را ویژه خویش گردانیدن و به انحصار خود در آوردن. مقام معظم رهبری در زشتی آن در امر تربیت می‌فرماید:

در مقابل استثنای... کلمه انحصارطلبی را در فرهنگ امروزی می‌توان گذاشت و اگر بخواهیم معنا کنیم استثنای را و بشکافیم، نقطه مقابل ایثار است. ایثار، یعنی دیگران را بر خود ترجیح دادن؛ استثنای یعنی خود را بر دیگران ترجیح دادن... این ترجیح دادن خود، این انحصارطلبی به طور عام، در بیشتر یا همه انسان‌های تربیت نشده وجود دارد.

غالباً طبیعت تربیت نشده هر چیز خوبی را برای خود بردارد. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱)

ارج نهادن به آموزش و معلم

یکی از بارزترین عوامل بیرونی، ارج نهادن به آموزش و آموزش دهنده است زیرا که دانایان با نادانان برابر نیستند و شایسته‌سالاری لازمه تحقق عدالت اجتماعی است. از زمانی که آموزش برای مسلمانان اهمیت پیدا کرد و از هر گوشه دنیا، دانش و حکمت را فراخواندند و فراگرفتند و به تکمیل آن پرداختند و بر جوامع بسیاری تأثیرگذار شدند. ادبیات، جغرافیا، ریاضیات، هیأت، شیمی، فلسفه، طب، معماری و در واقع معلمان تمدن جدید محسوب شدند. (پاک‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۹-۲۱) «علم، پایه پیشرفت همه جانبه یک کشور است. این حدیث را من یک وقتی خواندم: «العلم سلطان»؛ علم اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه دنیا زور بگویند. البته ما هرگز زور نخواهیم گفت» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰).

ج) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و توجه به یکپارچه‌سازی ساحت‌های اعتقادی - مذهبی، سیاسی - اجتماعی، زیبایی‌شناسی، زیستی و اقتصادی در تحقق گام دوم انقلاب

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با دغدغه گفتمان‌سازی پیرامون این سند و جهت اجراء عملی و تحقق تربیت تمام‌ساحتی از یک سو و از سوی دیگر تحول در سطح آموزش از آموزش با رویکرد سنتی - خطی مبتنی بر حافظه و حفظ داده‌ها به رویکرد تربیتی مهارت‌محور و تمام‌ساحتی بنا شده است. با این همه باید توجه داشت که توجه صرف به یک رویکرد و نادیده گرفتن رویکرد دیگر هم چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. خصوصاً با تنوع و گستردگی دانش‌های امروزی و وجود علمی که ذات آنها استفاده قدرت ذهن در پردازش داده‌های منطقی آنها است. پس در تربیت مبتنی بر عینی بودن، نوآورانه بودن، فعال بودن، اثربخش بودن، بازی‌وار بودن و فراگیر محور بودن، باید زمینه و دغدغه برای استفاده همزمان از دو رویکرد را مدنظر قرار داد. این مشخصه‌ها برگرفته از رویکردهای سازنده‌گرایانه، تلفیقی، بین‌رشته‌ای، زمینه‌ای، فراشناختی و... هستند. از این حیث تربیت تمام‌ساحتی هم در مورد آموزش دهنده و هم در مورد آموزش‌گیرنده اهمیت پیدا می‌کند.

به عبارت دیگر آموزش دهنده پیش از ورود به کلاس باید با آموزش تمام‌ساحتی را آموزش دیده باشد و با آن ارتباط برقرار کرده باشد. محیط آموزشی مناسب را در اختیار داشته باشد.

دغدغه‌های روزمره و آنچه موجبات برهم خوردن ذهن آموزش دهند نسبت به مقوله آموزش می‌شود را نداشته باشد و آموزش و یادگیری در جامعه چنان اهمیت داشته باشد که دانش‌آموز یا دانشجو با دغدغه یادگیری و نه صرف گذراندن وقت، فراغت بال والدین شاغل یا گرفتن مدرک، شغل و... در محیط آموزشی حضور نداشته باشد.

سپس می‌توان از آموزش دهنده انتظار داشت تا در ورود به کلاس، از همان ابتدا، سراغ کتاب درسی و آموزش مستقیم محتوای موضوع درس نرود. طبق سند تحول آموزش و پرورش، تربیت براساس ابعاد و ساحت‌های وجودی متریبان و توجه به شئون مختلف حیات طیبه به شش ساحت تقسیم شده است که عبارتند از: ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی؛ ساحت تربیت زیستی و بدنی؛ ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری؛ ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ ساحت تربیت علمی و فناوری (خامنه‌ای، سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰؛ حیدری، ۱۳۹۹: ص. ۷۵).

لازمه تربیت در رویکرد تمام‌ساحتی، پیوند جامعه آموزشی شامل معلم و دانش‌آموزان به پیشینه‌های فرهنگی و وجود توانایی در این جامعه جهت روزآمدی و تحولات متناسب با زمان است. چرا که هویت‌سازی هدف تاریخ است و جامعه ایرانی و فرهنگ غنی آن، گرچه در ذات خود قابلیت تمدن‌سازی دارد، اما خود تمدن نمی‌سازد، بلکه این افراد جامعه هستند که با کار و تلاش پیگیر و به کمک آموزش و جهت دادن این توان بالقوه، آن را بالفعل کرده تمدن ساز خواهند شد. اگر با نگاه کاربردی و واقعی به این پیشینه‌ها و تایید و اقرار تاریخی آن توجه شود، قطعاً نقش به‌سزایی در ایجاد انگیزش و روحیه کنش‌گری در زندگی فردی و اجتماعی و تحقق گام دوم انقلاب اسلامی ایران و سند تحول بنیادین خواهد داشت. از این حیث بیانیه گام دوم انقلاب را باید در راستای یکپارچه‌سازی تحقق ساحت‌های شش‌گانه، جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی دانست. زیرا تحقق یکی یا چند مورد از این ساحت‌ها به تنهایی یا اصلاً موجب تحقق تمدن یا موجب تحقق تمدن اسلامی نخواهد شد.

مصادیق مؤلفه‌های ساحت تربیتی - اعتقادی، اخلاقی و عبادی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب

ساحت‌های معنوی (اعتقادی، عبادی)، اخلاقی

وجود معنویت و اخلاق، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن

آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.
معنویت یعنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه. اخلاق یعنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و...

وظیفه حکومت برای رشد اخلاق و معنویت

منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند.
زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند.
به نهادهای اجتماعی در این باره کمک برسانند.
با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند.
با ابزارهای رسانه‌ای، برخورد هوشمندانه و مسئولانه کنند.

ساحت اجتماعی - سیاسی

عدالت و مبارزه با فساد، لازم و ملزوم یکدیگرند.
دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند.
آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است.
دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد.
کسب ثروت مورد تشویق است، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی به شدت ممنوع است.
غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، مورد قبول نیست.

پدیده‌های جهانی که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند

تحزک جدید نهضت بیداری اسلامی براساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی مستکبران.
گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

وظایف دولت جمهوری اسلامی

از ارزش‌های انقلابی و ملی، یک گام هم عقب‌نشینی نکند.
از تهدیدهای نهراسد.

عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد.

حکیمانه و مصلحت‌جویانه و از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند.

ساحت زیستی: سبک زندگی، استقلال، آزادی و ظرفیت انسانی

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت.

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی، زبان‌های بی‌جبرانی به کشور و ملت، زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که چشم امید در آن، به جوان‌هاست. استقلال ملی به معنی آزادی ملت از زورگویی سلطه‌گران جهان است؛ ولی نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود باشد.

آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای افراد جامعه است؛ ولی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی باشد.

۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی

حدود ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی

رتبه‌ی دوّم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی

وجود انبوه جوانان با روحیه‌ی انقلابی و آماده‌ی تلاش جهادی

وجود جوانان محقق‌مشغول به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و...

ساحت اقتصادی: هدف، چالش، راه‌حل

اقتصاد، هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید.

چالش‌های اقتصاد کشور

چالش بیرونی: تحریم و وسوسه‌های دشمن

چالش درونی: عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی

(در صورت اصلاح مشکل درونی، چالش بیرونی کم‌اثر یا بی‌اثر خواهد شد)

مهم‌ترین عیوب ساختاری

وابستگی اقتصاد به نفت

دولتی بودن بخش‌هایی که در حیطة‌ی وظایف دولت نیست

نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی
 استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور
 بودجه بندی معیوب و نامتوازن
 عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد
 عدم رعایت اولویت‌ها
 وجود هزینه‌های زائد و مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی

مهم‌ترین راه‌حل‌ها

درون‌زایی اقتصاد کشور
 مولد شدن و دانش‌بنیان شدن
 مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت
 برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌ها
 سپردن کار به دست یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی

ساحت زیبایی

آرامش: دانش، وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است.
 کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین شود.
 عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه افزایش یابد.

ساحت علمی

به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم.
 هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم.
 با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن
 عقب‌افتادگی جبران شود.
 این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.

نتیجه‌گیری

تاریخ و پیشینه هزاران ساله تمدنی ایرانیان و نقش فعال و گسترده آنان در ساخت و
 گسترش تمدن اسلامی این سؤال را طرح می‌کند که در تداوم فرایند حضور و پویایی جامعه

ایرانی، آنان چه نقش و جایگاهی در ساخت آینده تمدن و خصوصاً تمدن اسلامی خواهند داشت. با ظهور انقلاب مبتنی بر اسلام در ایران و شکل‌گیری حکومت دینی برآمده از تحولات اجتماعی؛ گفتمان تمدنی ایرانی و اسلامی در قالب توجه به ظهور تمدنی نوین که برخاسته از آموزه‌های اسلامی - ایرانی باشد، مورد توجه قرار گرفت.

جدای از آن که می‌توان تمدن و آینده تمدنی را از منظر تاریخی مورد پژوهش قرار داد، می‌توان این بحث را از منظر محتوای دینی و خصوصاً آیات و روایات مورد توجه قرار داد. خصوصاً آن که قرآن، مسلمانان را به جستجو و تفکر در سرگذشت پیشینیان فراخوانده است. این از مهم‌ترین مؤلفه‌های انگیزشی جامعه ایمانی برای توجه به قانون‌مندی تاریخ و تقویت باور به آن از طریق دستیابی به سنت‌های الهی است که به فهم و معنادار ساختن رویدادها و کنش‌های اجتماعی و در نتیجه‌ای نو برای درک بهتر و صحیح‌تر اهداف الهی در چگونگی تربیت جوامع از یک سو و از سوی دیگر به شناخت بهتر فراز و فرود و آینده تمدن‌های انسانی، منجر می‌شود. آیات نورانی قرآن کریم و روایات مفسر آنها که از معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده است و سند و بیان آنها هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت آمده است، ما را به این نکته توجه می‌دهد که در کنار سنت انتخاب رهبری الهی، سنت انتخاب امت؛ مردمانی که بر پیمان‌های الهی همچون پیمان‌های اطاعت و نصرت باقی نمانند، قانون الهی و سنت استبدال او بر این است که جهت نصرت دین خود، مردمانی دیگر را جایگزین آنها نماید. اهل حجاز با نادیده گرفتن دستورات الهی و توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عمل به محتوای دین، حفظ شأن و جایگاه اهل بیت و غصب خلافت از سوی ناهلان، زمینه تغییر امت معهود را فراهم کردند تا طبق سنت الهی مردمانی دیگر جایگزین آنها برای نصرت دین شوند. طبق همین سنت‌ها و آنچه از روایات در تفسیر آنها وارد شده، ایرانیان امتی هستند که در آینده به یاری دین الهی و تحقق آرمان‌های آن خواهند پرداخت.

بیانیه گام دوم انقلاب و سند تحول آموزش و پرورش و تأکید بر ساحت‌های شش‌گانه تربیتی را می‌توان آغاز حرکتی به سوی آینده تمدنی و تحقق تمدن نوین اسلامی دانست. از این رو بیانیه گام دوم انقلاب در تمام ساحت‌های شش‌گانه مولفه‌های کاربردی و مهمی را مورد توجه قرار داده است. جایگاه معنویت، اقتصاد و هدف از آن، زیست جامعه اسلامی که با سبک زندگی غرب متفاوت است. توجه به ساحت اجتماعی و ایجاد عدالت و مبارزه با فساد. توجه به ساحت زیبایی و آرامش و آوردن آن به عرصه عمومی جامعه. توجه به ساحت علمی و عدم سوءاستفاده از علم و جدیت در رسیدن به قله‌های علمی جهت از بین رفتن عقب‌افتادگی‌ها. در

باینیه گام دوم انقلاب و از میان ساحت‌های شش‌گانه بیشترین اهتمام بر روی ساحت‌های معنوی - اخلاقی؛ اجتماعی؛ زیستی و اقتصادی است گرچه به ساحت زیبایی و علمی نیز توجهات دقیقی صورت گرفته است.

منابع

قرآن کریم

- اصفهانی، ابوالفرج. (۱۳۸۵ق). *مقاتل الطالبیین*، نجف: المكتبة الحیدریة.
- آخوند خراسانی، محمدکاظم. (۱۴۳۷ق)، *کفایة الاصول*، قم: مجمع الفکر الاسلامی، هفتم.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: نشر آگاه.
- ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ق). *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، تهران: برهان.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۴۰۵ق). *التعریفات*، بیروت: چاپ ابراهیم ابیاری.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران*.
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>)
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۷/۲۰). *بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه*.
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17510>)
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). *بیانیه «گام دوم انقلاب»*.
(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). *دیدار جوانان استان خراسان شمالی*.
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹/۱۲/۹). *بیانات در دیدار با کارگزاران نظام*.
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>)
- حیدری، فاطمه. (۱۳۹۹). *تحلیل محتوای دعای کمیل براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیت، پوییش در آموزش علوم انسانی*، شماره ۲۱.
- رازی، حسین بن علی. (۱۳۶۵). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۹ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت: دار الکتب العربی.

- _ شوشتری، نور الله، *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، قم: بی‌نا.
- _ شوکانی، محمدبن علی. (۱۴۱۹ق). *ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الاصول*، دمشق: دارالکتب العربی، اول.
- _ طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۲). *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _ طبهرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۵). *تفسیر جوامع الجامع تاریخ*، ترجمه: اکبر غفوری، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- _ قرائتی، محسن (۱۳۸۷)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- _ قرشی بنائی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱خ). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _ قمی مشهدی، محمد. (۱۳۶۸). *کنز الدقائق و بحر الغرائب* محقق: حسین حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _ *مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- _ مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، تصحیح: جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
- _ معینی، جهانگیر. (۱۳۷۴). *نظریه و فرهنگ*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌الملل.
- _ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۴ق). *تفسیر نمونه*، بی‌جا: بی‌نا.
- _ نوروزی فیروز، رسول. (۱۳۹۴). *تمدن به مثابه سطح تحلیل*، شماره ۴.
- _ نیشابوری، مسلم. (۱۴۰۷ق). *صحیح مسلم*، محقق: هاشم احمد عمر، بیروت: بی‌نا.
- _ هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، ترجمه: حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، مصحح: ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الإسلامیه.
- _ یوکیچی، فوکوتساوا. (۱۳۷۹). *نظریه تمدن*، ترجمه: چنگیز پهلوان، تهران: گیو.
- _ <https://farsi.khamenei.ir>
- _ <https://www.sid.ir>